

تأثیر چشم‌انداز حضور ترامپ بر صحنه ژئوپلیتیک جهان



فردریک کمپ

رئیس و مدیرعامل اندیشکده شورای ائتلافی

هفته گذشته در نشست مجمع جهانی اقتصاد در داووس، گراهام ایلسون، استاد دانشگاه هاروارد، توجهات زیادی را به خود جلب کرد؛ وقتی داشت درباره این حرف می‌زد که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده، همین حالا هم در حال شکل‌دادن به انتخاب‌های سیاست‌گذاری متحدان و حریفان است. با پیروزی اخیر ترامپ در مقدماتی نوبه‌میشا، این تأثیر بلکه بیشتر هم می‌شود. ایلسون در آخرین شماره فارن افرز هم در این باره می‌نویسد: «برخی دولت‌های خارج‌ی، در روابطشان با ایالات متحده، روزبه‌روز بیشتر یک عامل را لحاظ می‌کنند؛ عاملی که شاید کم‌کم به عنوان «گزینه فروش با ترامپ» شناخته شود: به تأخیر انداختن تصمیمات، با این انتظار که یک سال بعد، بتوانند برای توافقات بهتری با واشنگتن مذاکره کنند؛ زمانی که ترامپ عملاً نموداری برای بدشدن اوضاع برایشان شکل خواهد داد.»

در صدر فهرست مقامات خارجی که دارند به لحاظ راهبردی، انتخابات پیش روی ایالات متحده را نظاره می‌کنند، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه است. او دارد این محاسبه را می‌کند که ممکن است، شانس‌هایش در جنگ اوکراین، به‌شدت بهتر شوند، همان جنگی که ترامپ قول داده است «در یک روز» به پایان برساند. این انتظار پوتین را بر آن می‌دارد که امسال در جهت بن‌بست کار کند، در حالی که علاوه‌بر انتخابات ترامپ، روی فرسودگی اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها شرط می‌بندد، برای وضعیتی که ممکن است شرایط رهبر روسیه را برای پیروزی در مرحله بعد، مهیا کند.

ایلسون می‌نویسد: «در مقابل، دیگران، کم‌کم در حال جست‌وجوی چیزی هستند که شاید به عنوان «پوشش ریسک با ترامپ» شناخته شود: تحلیل مسیریایی که در آن‌ها، بازگشت او احتمالاً گزینه‌های بدتری برایشان باقی خواهد گذاشت و آماده‌شدن بر اساس همین،»

اوکراین و حامیان اروپایی در ناتو را در این دسته حساب کنید. این البته یک وجه سالم هم دارد که در آن، کشورهای اروپایی به‌دنبال روش‌های بهتر برای دفاع از اوکراین و خودش می‌گردند.

روی منفی؟ وب‌سایت کارزار ترامپ، خواستار «ارزیابی اساسی دوباره هدف ناتو و مأموریت ناتو» می‌شود، بنابراین، اعضای فعلی ناتو و اعضای جدیدش، فنلاند و یهودی سوئد، ممکن است تضمین‌های امنیتی این اتحاد را نامن‌تر ببینند.

به جای جای دنیا نگاه کنید. ده‌ها مثال از پوشش ریسک با ترامپ و گزینه فروش با ترامپ خواهید یافت؛ از مسائل مربوط به اقلیم آب‌وهوایی تا مسائل تجاری که در آن‌ها، رئیس‌جمهور سابق خود را «مرد تعریف» توصیف می‌کند و قول می‌دهد برای همه واردات، تعرفه ده درصدی اعمال کند.

ایلسون می‌نویسد: «امسال، با این وعده آمده که سال خطر باشد، در شرایطی که کشورها از سراسر جهان، صحنه سیاست ایالات متحده را با ترکیبی از ناپاوری، شگفتی، وحشت و امید نظاره می‌کنند.»

آنچه او نمی‌نویسد این است که شاید در گذشته هیچ‌وقت، متحدان و حریفان ایالات متحده، این قدر پیش از انتخابات شروع به تنظیم این گزینه‌های فروش و پوشش‌های ریسک نکرده‌اند. ثبات سیاست خارجی ایالات متحده در طول سال‌های جنگ سرد، در حال تبدیل به چیزی مربوط به گذشته است.

یکی از رهبران کشورها در داووس به من گفت، در زمینه روابط با ایالات متحده، آنچه او بیشتر از همه دل‌تنگش است، میزان پیش‌بینی‌پذیری لازم برای شکل‌دهی به سیاست‌های کشور خودش است: «خوب یا بد نیست. صرفاً واقعیتی است که نقطه شروع کار ماست.»



نگاه تحلیلی



افغانستان دوم؟

اصرار حوثی‌های یمن به دستیابی به اهداف خود، آمریکا را در تله‌ای ژئوپلیتیکی قرار داده



The Cradle

حوثی‌ها با یک استراتژی ساده و روشن کاملاً فهمیده‌اند که هر چقدر بیشتر بتوانند آمریکایی‌ها را بدون استراتژی و با تعلق ژئوپلیتیک خاورمیانه بکشاند، در حالت «جنگ اعلام‌نشده»، بیشتر می‌توانند بر اقتصاد جهانی فشار وارد کنند و در چنین شرایطی کشورهای جنوب جهانی انگشت‌نقصیر را به سمت آمریکا بکشند.



پیه اسکوبار

تحلیلگر مسائل خاورمیانه

نیروهای انصارالله یمن از همان ابتدا به صراحت اعلام کردند که محاصره در باب‌المندب و جنوب دریای سرخ را فقط علیه کشتی‌های کشتی‌رانی متعلق به اسرائیل یا به مقصد ایجاد کرده‌اند. هدف اعلام‌شده آنها متوقف کردن نسل‌کشی در غزه است. آمریکا در پاسخ به این فراخوان اخلاقی مبنی بر پایان دادن به نسل‌کشی در غزه، به‌عنوان رهبر جنگ جهانی علیه تروریسم، بار دیگر حوثی‌های یمن را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داده و بمباران زنجیره‌ای مواضع انصارالله را آغاز کرده است. در مقابل، پارلمان یمن نیز دولت‌های آمریکا و انگلیس را عضو «شبکه‌های تروریستی جهانی» معرفی کرد.

▼ استراتژی یمنی‌ها چیست؟

یمنی‌ها تنها با یک اقدام و با کنترل عملی یک تکنای

ژئواکونومیکی کلیدی به نام باب‌المندب، از مزیت استراتژیک این منطقه استفاده کردند. در نتیجه امروز آنها می‌توانند مشکلات جدی را در بخش‌های زنجیره تامین جهانی، تجارت و مالی ایجاد کنند. انصارالله این پتانسیل را دارد که در صورت لزوم، فشارش را دوباره کند. بازرگانان خلیج‌فارس، به‌صورت غیرعلنی تأیید کرده‌اند که یمنی‌ها قصد دارند به تحقق اهداف سه‌گانه عملیات طوفان الاقصی، یعنی از بین بردن نظامیان اسرائیل در غزه، اسیر گرفتن نیروهای اسرائیلی و مبادله زندانیان فلسطینی با اسیران اسرائیلی کمک کنند. از این سه هدف با عنوان مثلث الاقصی یاد می‌شود.

چنین اقدامی نه تنها به معنای مسدود کردن مسیر باب‌المندب و دریای سرخ به کانال سوئز است، بلکه مسدود کردن تنگه هرمز و قطع تحویل نفت و گاز به اسرائیل از سوی قطر، عربستان سعودی و امارات خواهد بود. هر چند بزرگترین تامین‌کنندگان نفت اسرائیل در واقع آذربایجان و قزاقستان هستند.

حوثی‌ها با یک استراتژی ساده و روشن کاملاً فهمیده‌اند که هر چقدر بیشتر بتوانند آمریکایی‌های بدون

استراتژی را به باتلاق ژئوپلیتیک خاورمیانه بکشاند، در حالت «جنگ اعلام‌نشده»، بیشتر می‌توانند بر اقتصاد جهانی فشار وارد کنند و در چنین شرایطی کشورهای جنوب جهانی انگشت‌نقصیر را به سمت آمریکا نشانده خواهند گرفت. امروزه، ترافیک کشتیرانی دریای سرخ در مقایسه با تابستان ۲۰۲۳ به نصف کاهش یافته است. زنجیره‌های تامین متزلزل هستند. کشتی‌های حامل مواد غذایی مجبور به دور زدن آفریقا هستند و خطر تحویل محموله پس از تاریخ انقضای آن را دارند. به‌طور قابل پیش‌بینی، تورم در سراسر حوزه کشاورزی اتحادیه اروپا به ارزش ۷۰ میلیارد یورو به سرعت در حال افزایش است. غول‌های بیمه مستقر در غرب کاملاً قوانین محاصره محدود انصارالله را درک می‌کنند. برای مثال کشتی‌های روسی و چینی برای عبور از دریای سرخ، آزاد هستند. شرکت‌های بیمه جهانی فقط از پوشش کشتی‌های ایالات متحده، بریتانیا و اسرائیل خودداری کرده‌اند و این یعنی دقیقاً همان چیزی که یمنی‌ها می‌خواستند. بنابراین، ایالات متحده، به‌طور قابل پیش‌بینی، روایت تحول را به

جنگ در غزه چطور توانایی آمریکا برای رقابت با قدرت‌های دیگر را تضعیف کرده است

رقابت غول‌ها در پس‌زمینه جنگ غزه

▼ رقابت قدرت‌های بزرگ در بحبوحه جنگ غزه

سناریوی کنونی در خاورمیانه، به‌ویژه پس از عملیات طوفان الاقصی و جنگ غزه، هم‌زمان با تغییر تمرکز واشنگتن به سمت رقابت با چین و جنگ نیابتی آن علیه روسیه در اوکراین پیش‌آمد کرده است. همانطور که در ارزیابی سالیانه تهدیدها از سوی جامعه اطلاعاتی ایالات متحده در سال گذشته بیان شد، این تحول از پیش بر اهداف استراتژیک تأثیر گذاشته و منجر به کاهش شدید حمایت غرب، به‌ویژه ایالات متحده، از اوکراین شده است. دولت بایدن در جلب موافقت کنگره برای ارسال بسته کمکی جدید به کی‌یف، که مستقیماً برای دریافت کمک با کمپین نظامی تل‌آویو در غزه رقابت می‌کرد، با چالش‌هایی مواجه شد. به‌رغم ارائه تضمین‌های رهبران غربی در جریان سفر به اوکراین در ماه اکتبر، اظهارات آنها بدون حمایت مادی ملموس از کی‌یف بیان شد و ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهوری اوکراین را در وضعیت ناگواری قرار داد. چین به‌طور کاملاً غیرمنتظره، به‌عنوان یک صلح‌ساز بالقوه در این مناقشه اروپایی ظاهر شده است، به‌طوری که کی‌یف آشکارا از بکن در خواست میانجیگری می‌کند و خود ایالات متحده نیز برای کاهش تنش در خاورمیانه به میانجیگری چین نیاز دارد. چینی‌ها به‌خوبی می‌دانند که راه‌های خروج ساده‌ای برای ایالات متحده که از جنگ غزه که از آن حمایت می‌کنند، وجود ندارد و تبدیل این درگیری به یک جنگ منطقه‌ای، آمریکا را به شکلی عمیق‌تر در باتلاق خاورمیانه و به دور از آسیا-اقیانوسیه، فرو می‌برد. اگرچه چین به‌دنبال افزایش حضور خود در خاورمیانه است اما در عین حال بسیار مراقب است که خود را از درگیر شدن در بسیاری مسائل دور نگه دارد. اما در خواست واشنگتن از بکن مبنی بر استفاده از نفوذ خود برای متصرف کردن ایران از تشدید درگیری، روشن می‌کند که ایالات متحده دیگر «بزرگترین قدرت» منطقه نیست.

▼ چرا اسرائیل با نظام چندقطبی مخالف است؟

پس از عملیات طوفان الاقصی، حمایت مالی و نظامی آمریکا از اسرائیل به مرحله حساسی رسیده و دو گزینه را پیش روی واشنگتن قرار داده است. اولی شامل اعمال کنترل بر اقدامات اسرائیل است، با توجه به اینکه طولانی شدن جنگ برای منافع استراتژیک ایالات متحده نامطلوب بوده است، به‌ویژه در این سال حساس انتخاباتی. گزینه دوم، که مورد علاقه نخبگان واشنگتن است، ادامه حمایت تزلزل‌ناپذیر آمریکا از تل‌آویو است، حتی در صورت آسیب دیدن وجهه جهانی آمریکا. خشم پایدار جهانی در مورد کشتارها در جنگ غزه، همراه

است. جالب توجه است که بیش از هشت کشور دیگر بنا به گزارش‌ها به این ائتلاف ملحق شدند، اما با توجه به پیامدهای سیاسی احتمالی از ارتباط با واشنگتن و تل‌آویو خواستار ناشناس ماندن شدند. نکته مهم این است که هدف اعلام‌شده پنتاگون از تامین امنیت دریانوردی در دریای سرخ با تهدید واقعی ارائه‌شده همخوانی ندارد و انگیزه‌های پنهانی را در پشت اقدامات ایالات متحده آشکار می‌کند. یمنی‌ها باها تا تأکید کرده‌اند که تنها قصد دارند از عبور کشتی‌های متعلق به اسرائیل یا به مقصد اسرائیل جلوگیری کنند و دیگر کشتی‌ها آزاد هستند. به‌طور خلاصه، ائتلاف به رهبری ایالات متحده و بریتانیا به‌عنوان بازی دریا برای نیروهای نظامی اسرائیل عمل می‌کند و به‌طور خاص به‌دنبال تضمین دسترسی بدون مانع برای کشتی‌هایی است که از طریق تنگه باب‌المندب به‌بنادر اسرائیل می‌روند. این موقعیتی نیست که بسیاری از کشورهای دیگر اگر بخواهند آزادی حمل و نقل را برای کشتی‌های کشتیرانی خود حفظ کنند، از آن برخوردار نباشند. در نهایت، نمایش قدرت آمریکا در این آبراه‌ها با هدف تثبیت سلطه دریایی ایالات متحده است که البته یمن جنگ‌زده، به‌عنوان فقیرترین کشور خاورمیانه در مقابل آن ایستاده است.

براساس گزارش‌های رسانه‌های پس از حملات هوایی گسترده ایالات متحده علیه اهداف عراقی در ۲۳ ژانویه، گروه‌های مقاومت عراق نیز اکنون با محاصره‌بنا در اسرائیل در دریای مدیترانه از زمین پیروی خواهند کرد. رویدادهای کنونی در حال خارج شدن از کنترل واشنگتن هستند زیرا ناظران به‌طور فزاینده‌ای سودمندی و صلاحیت رهبری نیروی دریایی ایالات متحده در آبراه‌های مهم جهان را زیر سوال برده‌اند. به‌همین ترتیب، نیروها و بازندگان قدرتمند دیگری ظهور کرده‌اند و کنترل ایالات متحده بر تنگه‌های کلیدی جهانی را به چالش می‌کشند. به قول والتر رای، سیاستمدار و نویسنده بریتانیایی، «کسی که در برابرها حکومت می‌کند، بر جهان حکومت می‌کند». ایالات متحده دیگر نمی‌تواند ادعای حاکمیت در دریای سرخ یا حتی آبراه‌های مجاور آن را داشته باشد چرا که یمنی‌ها مانع از این امر شده‌اند.

▼ حفاظت از اسرائیل یا حفظ سلطه دریایی؟

این ائتلاف از همان ابتدا متزلزل شد و تنها ایالات متحده و بریتانیا به‌طور فعال در حملات نظامی به مواضع حوثی‌های یمن شرکت داشتند. عدم تمایل کشورهای کلیدی اروپا نظیر فرانسه، اسپانیا و ایتالیا برای پیوستن به این ائتلاف دریایی نشان‌دهنده شک و تردید فزاینده در میان شرکای سنتی ایالات متحده - در غرب و خاورمیانه - در مورد تعهد و توانایی واشنگتن برای دفاع از متحدانش